

سازمان‌های غیردولتی چگونه و چرایی

مهناز باقری

باشد.»
خوشبخت، از دیگر فعالان ادبی و عضو انجمن، اذعان داشت: «اشاره انصاریان به شلاق خوردن آن تاجر در دوره مشروطه، بسیار جالب و تکان‌دهنده بود. به نظرم ما هم در طول این هشت سال احتمالاً شلاق خورده‌ایم، اما متوجه نشده‌ایم!»

شاید اشاره خوشبخت، به سکوت مسئولان ارشد فرهنگی، نسبت به برخی پروژه‌های تحقیقاتی، از جمله «تدوین سیاست‌های دهه ۸۰ کتاب کودک بوده باشد.»

در این پروژه که انجام آن دو سال به طول انجامید، وضعیت سازمان نشر کتاب کودک و نوجوان در ایران، بحرانی توصیف شد. اگرچه این پژوهش با نگرش سازمانی، عوامل درون سازمانی (پدیدآورندگان کتاب، ناشران، عوامل فنی و کتاب‌فروشان) و عوامل بیرون سازمانی (عوامل جمعیتی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، قانونی و اداری) مؤثر در کتاب را به تفکیک مورد بررسی قرار داد و راهکارهایی از جمله طرح «شورای ملی توسعه کتاب کودک» را مطرح کرد، هیچ سازمان و نهادی، حتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی که

معصومه انصاریان، دبیر فعلی انجمن، با دیدی نقادانه به ارزیابی عملکرد شش ساله انجمن پرداخت و به روش‌های سنتی برخی اعضا در این تشکل مدنی اعتراض کرد. او که خود از فعالان پرسابقه کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، به عنوان قوی‌ترین تشکیلات در حوزه کودکان و نوجوانان است، با یادآوری آن چه جریان مشروطه‌طلبی را شکل داد، گفت: «در آن برهه وقتی یک تاجر معروف شلاق خورد، اصناف و به ویژه تاجران در حمایت از او وارد عمل شدند و به این ترتیب، نخستین مجلس ما با حضور نمایندگان اصناف شکل گرفت.»

معصومه انصاریان در این سخنرانی، چنان مصرانه از لزوم فعالیت صنفی انجمن که مطابق اساسنامه یک تشکل فرهنگی است، دفاع کرد که نارضایتی جمعی از جمله عموزاده خلیلی، نخستین رئیس انجمن را برانگیخت.

عموزاده تأکید کرد: «انجمن، اهرم فشار نیست. این تشکل باید نسبت خود را با نهادهای غیردولتی دیگر، جامعه و جهان مشخص کند و شاید با بازنگری در اساسنامه، ساختار و تشکیلات خود، نیازمند تعریف مجدد خود

در تعاریف جهانی، سازمان‌های غیردولتی شامل جمعیت‌ها، گروه‌ها و نهادهای انسانی خودجوش برآمده از مردم هستند و مهم‌ترین شاخص آن‌ها استقلال از دولت تبیین شده است. اگر این تعریف را بپذیریم، باید دید ارتباط آن با انجمن نویسنده‌گان کودک و نوجوان، چگونه تعبیر و تفسیر می‌شود.

چندی پیش، انجمن نویسنده‌گان کودک و نوجوان که هفت سال از عمر آن می‌گذرد، از اعضای بیش از ۲۰۰ نفری خود خواست تا در روزی معین (۲۱ شهریور ماه) و مکانی مشخص (انجمن نویسنده‌گان کودک و نوجوان)، جایگاه این تشکل را به عنوان یک نهاد مدنی بررسی کنند. اگرچه از ۲۰۰ نفر عضو، فقط حدود سی نفر حاضر شدند و جلسه با نیم ساعت تأخیر شروع شد، اما مطالبی در آن رد و بدل شده که حایز اهمیت است. در ابتدای این جلسه، محمود برآبادی به عنوان رئیس کنونی انجمن، ساختار دموکراتیک این تشکل غیردولتی را راز ماندگاری آن دانست و گفت: «وقتی صحبت از ساختار دموکراتیک می‌شود، این موضوع بیانگر دموکرات بودن انتخابات، تصمیم‌گیری‌ها و گردش کار این تشکل غیردولتی و نهاد مدنی است.»

ظاهراً خود پیشنهاددهنده این طرح بود، به آن گوشه چشمی نشان نداد.

اما دیدگاه‌های میهن بهرامی، (همسر محمد متوسلانی کارگردان)، منتقد و نویسنده بیش از سی کتاب نیز در این جلسه قابل تأمل بود. بهرامی گفت: «آیا انجمن می‌تواند با پشتوانه قدرت معنوی و حضور رؤسایش، حتی یک نویسنده را شناسایی و حمایت کند؟ باید کاری کنیم که صاحبان قدرت و سرمایه، به داد نهادهای مردمی برسند و صاحبان پول‌های دو بیست میلیون تومانی که حاضرند پول‌شان را در اختیار یک نشریه هوجی قرار دهند، جذب فعالیت سازمان‌هایی این‌چنینی شوند. باید نویسنده را حمایت کرد و برای چاپ اولین آثار، شرایطی فراهم آورد که این افراد از نویسنده بودن‌شان پشیمان نشوند.»

البته عموزاده خلیلی، در واکنش به این موضع‌گیری، خاموش نماند و گفت: «باید نویسنده به حدی از توانایی در نوشتار رسیده باشد که بتوان نام نویسنده را بر او اطلاق کرد. بسیاری از توقعات و انتقادات از انجمن، به دلیل عنوان مدنی آن است. باید دید این تشکل، با چنین ساختاری می‌تواند جوابگوی چنین انتظاراتی باشد؟»

محسن هجری، دبیر سابق انجمن، با اشاره به سابقه فعالیت خود و ارائه شرح مختصری از تاریخچه فعالیت انجمن، گفت: «دیگر نگاه‌ایده‌آلیستی به انجمن ندارم و فکر می‌کنم جایگاه انجمن بیش از آن که جایگاه کارکردی باشد، جایگاه هویتی است. باتوجه به حضور پاره وقت اعضا، انتظار کار تشکیلاتی از آن زیادطلبی است.» او تصریح کرد: «امروز دیگر انجمن را سیمرغی نمی‌دانم که بتواند نویسنده را از خاک سیاه بلند کند و به آلمان شهر برساند، بلکه بر این باورم که هر یک از ما سیمرغی هستیم با توانایی‌ها و امکانات محدود.»

در مقابل این نظر عموزاده خلیلی که استفاده از کمک‌های دولت را رد می‌کرد، حمیدرضا شاه‌آبادی بر لزوم استفاده از این امکانات تأکید کرد و گفت: «فعالیت کردن در حوزه‌هایی که خیلی به انجمن مرتبط نیست، با توجیه درآمدزایی درست نیست. انجمن در این هشت سال، وارد حیطه‌هایی شده که خیلی با فعالیت‌های آن تناسبی نداشته است.»

ناگفته نماند تعریفی که در سطح جهانی از سازمان‌های غیردولتی وجود دارد و آن‌ها را نهادهای خودجوش برآمده از مردم می‌دانند، چندان با واقعیات جامعه ما تطابق ندارد و این چیزی است که شاه‌آبادی، به تفصیل از آن یاد کرد. شاه‌آبادی تأکید کرد: «در کشورهای صنعتی، تولید ثروت به وسیله گروه‌های سرمایه‌داری و بخش خصوصی صورت می‌گیرد و دولت صرفاً یک هماهنگ‌کننده و فراهم‌آورنده فضا برای فعالیت‌های اقتصادی است. طبیعتاً در این کشورها، دولت هرچه کوچک‌تر، بهتر خواهد بود، اما در کشورهایی که تولید ثروت و سرمایه به شکل تک‌محصولی است، این دولت است که یک محصول را صادر و درآمد حاصل از آن را کسب می‌کند و به این ترتیب، دولت سرمنشأ ثروت می‌شود. در این‌جا همه به نوعی نیازمند دولتند. بنابراین، وضعیت سازمان‌ها و نهادهای مدنی ما با آن‌چه در کشورهای صنعتی وجود داشته و دارد، کاملاً متفاوت است.»

اگرچه در کشوری هم‌چون آلمان، کاتالوگی به نام “life”، با پشتیبانی کمپانی “BMW” تولید می‌شود که هر ساله تعداد زیادی از تازه‌های نشر را در اختیار مراکز فرهنگی به ویژه مدرسه‌ها قرار می‌دهد، در مملکت ما بسیاری از موارد قانونی هم‌چون بند «ل» ماده ۱۳۹ قانون مالیات مستقیم که در حمایت از صاحبان مشاغل فرهنگی است، توسط بسیاری از مراکز اجرائی-شود و هنوز به سرانجام مطلوب نرسیده است.

به هر ترتیب، اگرچه بحث درباره جایگاه انجمن نویسندگان کودک و نوجوان، به عنوان یک نهاد مدنی، با سخنرانی سیدآبادی، مبنی بر این که مهم‌ترین وظیفه انجمن، صدور بیانیه در مقاطع مختلف تاریخی و اجتماعی است، پایان یافت، این تشکل مدنی هم‌چنان پا برجاست؛ تشکلی که از دور و نزدیک، با دیدگاه‌های مختلف و بعضاً متضادی به آن نگرسته می‌شود.

منوچهر اکبرلو، مدرس دانشگاه و فعال عرصه کودکان، در این زمینه بیش از هر چیز به اعتمادسازی و اعتماد دولتمردان اشاره می‌کند. اکبرلو می‌گوید: «دولت باید به مسائل کلان بیندیشد و نقش تشکل‌های غیردولتی را به رسمیت بشناسد. ما برای محقق شدن این مسئله، بیش از هر چیزی نیازمند اعتمادیم.» این مدرس دانشگاه، با تأکید بر این که

مسئولان دولتی باید به افراد متخصص و تشکل‌های غیردولتی اعتماد کنند، می‌گوید: «سوءتفاهم‌ها، بی‌اعتمادی‌ها و نگرانی‌های بعضاً بی‌مورد، سبب می‌شود که تعویض مسئولیت از دولت به تشکل‌های غیردولتی، به کندی حاصل شود. گاه دولت پیش‌قدم می‌شود، ولی نگرانی‌ها باعث می‌شود که همکاری‌ها و سپردن کارها قطع شود و این ارتباط ناراست بماند. به هر حال، به نظر می‌رسد که مسئولان دولتی باید هرچه زودتر این اعتماد را در خود ایجاد کنند و کارها را به تشکل‌های غیردولتی بسپارند. البته در این عرصه باید حساب شده کار کرد. چه در غیر این صورت، ممکن است ندانم‌کاری‌ها، باعث شود نگرانی‌ها مجدداً برگردد و تلاش‌های پیشینیان برای انتقال مسئولیت هدر رود و دوباره به سیستم بسته دولتی برگردیم.»

دکتر هدیه شریفی، از منظر دیگری به فعالیت‌های سازمان‌های غیردولتی می‌نگرد.

وی کاربرد واژه دموکراتیک را برای فعالیت‌های انجمن، در بسیاری مواقع شتابزده توصیف می‌کند و می‌گوید: «به منظور پاسخ گفتن درباره عملکرد سازمان‌های غیردولتی، باید ابتدا مفهوم واژه دولتی و غیردولتی را از هم تمییز داد. واقعیت این است که ما به لحاظ تاریخی، در مقطعی از تاریخ قرار داریم که دموکرات خواه داریم، ولی هنوز مکتبی در این زمینه نداریم. بنابراین، دموکراسی به عنوان یک مکتب که آبخشور فکری داشته باشد، هنوز در جامعه ما شکل نگرفته است.»

وی می‌افزاید: «دولت‌داری در دنیای قدیم، به کشورگشایی و حفظ رقابت اقتصادی و سیاسی و بین‌المللی ختم می‌شد، اما آن چه در دوره تکنولوژی اتفاق می‌افتد، این است که دولت و حکومت، پای‌شان را فراتر از مرزهای جغرافیایی می‌گذارند و فراتر از برآیند خواسته‌های مردم عمل می‌کنند. اگر کشوری در عصر تکنولوژی باشد، آن وقت به یقین روی مسائل حیطه‌های فردی هم دقت می‌کنند و این‌جاست که بحث دولت‌داری و حکومت‌داری، به بحث‌های دموکراتیک نزدیک می‌شود.»

وی بر این باور است که دموکراسی، بیشتر بر مسائل و شیوه‌های ارتباط با آدم‌ها تأکید دارد. بنابراین، در حکومت‌های عصر تکنولوژی، بحث روش‌های دموکراتیک مطرح است. روش-

های دموکراتیک زمانی که بحث فرد فرد آدم‌ها مطرح است، شکل می‌گیرد. چه در جوامع دموکرات، هر مجموعه‌ای به نوعی محرک مجموعه دیگر است.

به این ترتیب، می‌بینیم که در دوره تکنولوژی، حکومت‌داری به مراتب سخت‌تر از دوران فنودالیزم و کشاورزی است.»

این پژوهشگر تصریح می‌کند: «این دوره، نیازمند حلقه واسطه بین ارتباط فردی و گروهی است و بحث‌های میان فردی در آن شکل می‌گیرد که عمدتاً در “N.G.O”ها مطرح می‌شود. “N.G.O”ها محمل‌هایی هستند که افراد در آن‌ها می‌توانند هم بحث‌های فردی‌شان را داشته باشند، هم در جامعه بزرگ‌تر، یعنی در گروه قرار گیرند.»

دکتر شریفی معتقد است: «در جوامع دموکرات، بحث‌هایی هم چون «آزادی خواهی»، بحث درخشان و خاصی نیست؛ چرا که دولت و حکومت با به رسمیت شناختن آزادی‌های فردی افراد، این حق را برای آنان به رسمیت می‌شناسند. در چنین جوامعی، هر کس به راحتی حیطه خود، گروه و سازمانش را می‌شناسد و بنابراین، هیچ کس به خود اجازه نمی‌دهد که بدون اجازه گرفتن، وارد فضای دیگری شود.»

وی با تأکید بر این که در جامعه‌ای که در مرکز آن تکنولوژی قرار دارد، حکومت و دولت “N.G.O”ها محرک یکدیگرند، تأکید می‌کند: «برای من عجیب است که گروهی می‌گویند سازمان‌های غیردولتی نباید با دولت هیچ‌گونه ارتباطی داشته باشند. اصلاً این امر در عمل غیرممکن است. این که هر “N.G.O” چگونه حرکت کند، بستگی به افرادی دارد که به عنوان دنده‌های این چرخ عمل می‌کنند. واقعیت این است که ما هنوز در دوره تکنولوژی نیستیم، بلکه در موقعیت کشاورزی زندگی می‌کنیم و بنابراین، در بسیاری موانع حیطه‌های فردی را نمی‌شناسیم.»

هنوز بسیاری از فعالان ادبی - هنری ما، نقش مؤسسه “x.change” (سازمان غیردولتی اروپایی) را در سازمان‌دهی جشنواره ادبیات کودک اروپا در ایران و تلاش آن را در ارتباط گیری با کودکان و نوجوانان ایرانی از یاد نبرده‌اند. مسئولان این مؤسسه و در رأس آن، آقای شوانز، مسئول x-change، در زمانی

محدود (حدوداً ۱۶ ماه)، با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و رفت و آمدهای مکرر به ایران، توانستند مهم‌ترین مرکز فعال در حیطه کودکان (کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان) را شناسایی کنند و با پشتکار زایدالوصفی، زمینه اعزام ۶۱ نفر از نویسندگان، تصویرگردان و هنرمندان اروپایی را به ایران، در عرض ۱۷ روز برگزاری جشنواره فراهم آورند.

اگرچه این سازمان در ابتدا مایل بود به عنوان یک سازمان غیردولتی، با سازمان‌های هم‌تراز خود را در ایران وارد مذاکره شود، از آنجا که هیچ سازمان غیردولتی در ایران از چنین پشتوانه و قدرتی برخوردار نیست، به ناچار با کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، برای عملیاتی کردن پروژه خود، وارد مذاکره شد.

از سویی، مهدی کاموس، پژوهشگر ادبی، وضعیت سازمان‌های غیردولتی را در کشور به لحاظ کمی و کیفی بحث برانگیز دانست و گفت: «تعداد تشکلهای غیردولتی فعال در عرصه ادبی، حتی از تعداد انگشتان یک دست تجاوز نمی‌کند. معمولاً در هر کشوری بعد از انقلاب انتشارات، انقلاب اطلاعات رخ می‌دهد که نیاز به تشکلهای ادبی غیردولتی را ایجاد می‌کند. البته مسلم است که تشکلهای غیردولتی با پاتوق‌های ادبی و گروه‌های ادبی که ما سابقه آن‌ها را در گروه‌های اصفهان، جنوب، گیلان و خراسان داشته‌ایم، فرق اساسی دارد.»

خلاف بسیاری از کارشناسان هم‌چون دکتر هدیه شریفی، حمیدرضا شاه‌آبادی، شهرام اقبال‌زاده و ... که بر لزوم بهره‌گیری “N.G.O”ها از کمک‌های دولتی تأکید می‌کنند، مهدی کاموس معتقد است: «وابستگی سازمان‌های غیردولتی به دولت، در جامعه ما به حدی شدید است که اگر دست حمایت دولت از پشت این‌ها برداشته شود، عملاً غیرفعال خواهند شد. البته ما تشکلی غیردولتی داریم که بیشترین ارتباطات فراملی ما را تأمین می‌کند و این تشکل ظاهراً کم‌ترین امکانات را از دولت می‌گیرد و در ارتباطات فرامرزی، چندین قدم فراتر از وزارت ارشاد اسلامی و سازمان ارتباطات اسلامی و نهادهای مسئول در حوزه دولتی عمل می‌کند. همه این‌ها گویای ضعف دولت در ارتباط با تشکلهای غیردولتی است. مگر نه این که هماهنگی بین تشکلهای غیردولتی و

جاهایی مثل وزارت امور خارجه، وزارت ارشاد و سازمان‌های ارتباطات اسلامی و مرکز بین‌المللی صداوسیما، موفقیت بیشتری را در عرصه بین‌المللی عاید ما می‌کند؟»

وی معتقد است: «تشکلهای غیردولتی ادبی کشور، برای انجام هرکاری نیازمند مجوزهای دولتی‌اند. فرهنگ در کشور ما همواره به یارانه نیاز داشته و دارد و هنوز نتوانسته است مستقل شود. در حالی که باید این کمک‌های دولتی از حالت مالی خارج شود و به کمک‌های خدماتی و فرهنگی بدل شود.»

نظر این پژوهشگر را می‌توان چنین خلاصه کرد: تشکلهای غیردولتی ما در مواردی از دولت جلوتر و در مواردی از آن عقب‌ترند. در حالی که این‌ها باید هماهنگ با یکدیگر عمل کنند. وابستگی این تشکل‌ها به دولت، باید قاعدتاً براساس خدماتی که دولت به آن‌ها می‌دهد باشد و نه این که هویت و برنامه و دیدگاه‌شان دولتی باشد.

براساس این دیدگاه، تشکلهای غیردولتی که در چارچوب قانون اساسی فعالیت می‌کنند، باید از سیاست‌های کلی دولت در این حوزه تبعیت کنند و همواره اصل مصلحت نظام را مدنظر قرار دهند.

اما دکتر هدیه شریفی، با دید جامعه‌شناختی، به “N.G.O”ها نگاه می‌کند و می‌گوید: «دولت ما برای این که بتواند در جامعه جهانی قدم‌های همسانی بردارد، مجبور است به بحث‌های دموکراتیک تن دهد و به راهکارهای دموکراسی رجوع کند.»

بنابراین، دولت از افراد برجسته و کلیدی، به عنوان بنیان تشکلهای غیردولتی استفاده کرده است. بر همین اساس، شاهدیم که افراد خاصی چندین “N.G.O” راره می‌اندازند و خود پس از مدتی، کنار می‌روند. چرا؟ چون وظیفه دولتی این‌ها جز این نبوده است و این افراد اساساً افرادی دولتی‌اند.»

وی بر این باور است که اگرچه “N.G.O”ها در مملکت ما منبع دولتی دارند، نمی‌توان و نباید شکل‌گیری آن‌ها را سیاستی دو دوره بازانه و دغل‌کارانه تلقی کرد. تشکلی “N.G.O”ها از نیاز ما به ساختن روش‌های دموکراتیک نشأت می‌گیرد.

دکتر شریفی تصریح می‌کند: «متأسفانه،

دگرگون شدن دیدگاه‌های دولتی و تحولاتی که در این عرصه روی می‌دهد. "N.G.O"ها را که در دوره‌ای خاص وابسته به حکومت بوده‌اند، متزلزل می‌کند و این زلزله از پیش اتفاق می‌افتد و همه می‌دانند که قرار است چیزی تغییر کند. در نتیجه "N.G.O"ها آهسته‌آهسته، مثل برگ‌های درختی که خشک می‌شوند و می‌افتند، از بین می‌روند و همان افرادی که تلاش کرده‌اند این‌ها شکل بگیرند، رفته، رفته خاموش می‌شوند. البته این به آن معنا نیست که این افراد به حرکت این چنینی اعتقادی ندارند، بلکه آن‌ها متوجه می‌شوند که «درخت دولت قادر نیست برگ‌هایش را حفظ کند.»

وی افزود: «البته تکیه به افراد، مشکلاتی هم در خود "N.G.O"ها پدید می‌آورد و ما شاهد دعواها و انشعابات و تکثیر شدن "N.G.O"ها هستیم.»

دکتر شریفی، ادبیات را بحثی کاملاً "N.G.O"گرا و نه دانشگاهی یا روشنفکری می‌داند و می‌گوید: ادبیات بحثی است کاملاً "N.G.O"گرا. برای این که، هم با فرد سروکار دارد و هم با جامعه و هم با اندیشه‌های میان فردی. بنابراین، آبخشور اصلی ادبیات اساساً "N.G.O"ها هستند، نه دانشگاه‌ها و امثال آن. در این جا وقتی افراد به قول خودشان روشنفکری پیشه می‌کنند (که البته به دلیل نگاه یکسویه، با این واژه موافق نیستیم)، فقط بحث‌های میان فردی با بحث‌های گروهی را می‌فهمند و همین نگاه تک بعدی‌شان، جدی‌تر ضربه را بر پیکره ادبیات وارد می‌کند و این‌جا همان جایی است که ضربه را خود ما می‌زنیم. دولت ممکن است در جاهایی با شما مخالف کند، اما در مواردی خود ما از اعتماد به نفس کافی برخوردار نیستیم. همه دیدیم که در جشنواره کرمان، بسیاری کسان به دلیل این که اگر انتقاد کنند، در دوره بعدی ممکن است دعوت‌شان نکنند، ترجیح دادند صحبتی نکنند. سؤال این است که تشکیل شدن این جلسات، بدون ارائه نظرهای صائب چه فایده‌ای دارد؟

شاهد هستیم که دوستان، بسیاری از داستان‌هایشان را نوشته‌سانسور می‌کنند و حتی به عنوان یک یادداشت، حاضر نیستند بعضی افکارشان را روی کاغذ بیاورند. این‌ها چیزهای بدی است که اتفاق می‌افتد و نیازمند مباحثی

چون آزادی قلم و امثال آن نیست، بلکه بیش از هر چیز نیازمند باور فردی است. مگر کم داشتیم نویسندگان و شاعران و اندیشمندانی در کشور خودمان که حتی جان‌شان را سرآزادی قلم‌شان گذاشتند؟»

اما حسین بکایی، عضو کنونی هیأت مدیره انجمن، ضعف‌های "N.G.O"های فرهنگی را نه هم‌چون دکتر شریفی، ناشی از حضور ما در عصر کشاورزی به لحاظ فکری و ضعف خودباوری و نه هم‌چون مهدی کاموس، ناشی از وابستگی‌های شدید دولتی می‌داند. او از منظری متفاوت به این مسئله نگاه می‌کند و این سؤال را طرح می‌کند: باید پرسید چرا گروهی که ذوق و سلیقه و کارشان انفرادی است، یعنی در تنهایی می‌خوانند و می‌نویسند، به فکر تشکیل گروه و اجتماع می‌افتند؟

بکایی بر این باور است که در طول تاریخ، بارها دلایل ظاهری و امکانات جمع شدن اهل فرهنگ و کارهماهنگ پیش آمده، اما کسی پیدا نشده که آغازگر چنین حرکتی باشد و تصریح می‌کند: «هرچند جمع انجمن نویسندگان، حاصل جمع آمدن یک گروه نویسنده است، ذات و ماهیت آن سیاسی - اجتماعی و حاصل نگاه نو به امر اداره جامعه است. انسان‌های هر جامعه، در مسیرهایی که نظام حقوقی آن جامعه می‌سازد و نشان می‌دهد، حرکت می‌کنند. جامعه امروز به لحاظ آن که ماهیتاً به سمت دمکراتیزه شدن پیش می‌رود، برای تشخیص درست مصلحت عمومی باید به نوعی به آرای عمومی مراجعه کند. امروز هم دیگر زمان آن نیست که وسط هر شهری یک میدان بزرگ بسازند و برای هر کاری، مردم را در آن میدان جمع کنند. امروز سازوکار روش‌های دمکراتیک عوض شده است. "N.G.O"ها یکی از همین سازوکارهای مدرن است.»

عضو هیأت مدیره انجمن می‌گوید: «وظیفه انجمن، نشان دادن مصلحت عمومی در یک بخش خاص و تخصصی است به دولتمردان و تصمیم‌گیران.»

بکایی در مورد تعریف مصلحت عمومی می‌گوید: «شعاع دایره این مصلحت عمومی می‌تواند بسیار وسیع فرض شود. برای مثال، می‌شود مصلحت عموم ایران را در این دانست که نویسندگان مثلاً از فلان سطح از رفاه برخوردار یا به فلان سطح از دانش رسیده

باشند. این مصلحت است که باید دستگاه‌های تصمیم‌گیر و اجرایی، آن را محقق کنند.»

بکایی در مورد فعالیت‌های انجمن می‌گوید: «در طول هشت سال گذشته، آن جاها که انجمن به عنوان بلندگوی اعلام این مصلحت عمل کرده، نتیجه‌های ماندگار و قابل توجهی گرفته و آن جاها که از این وظیفه غفلت کرده یا وارد امور اجرایی شده، نتایج خوبی نگرفته است.»

دبیر تحریریه کتاب ماه کودک و نوجوان، در مورد تعریفی که اعضای انجمن از ماهیت و کارکرد آن دارند، می‌گوید:

«برخی از اعضا، انجمن را شرکت تعاونی مسکن یا تعاونی مصرف می‌دانند، برخی هم بنگاه کارایی، برخی هم دفتر مشاوره حقوقی. گروهی آن را یک حزب سیاسی می‌بینند و گروهی آن را یک سازمان شبیه سازمان‌های دولتی. انجمن از یک نظر همه این چیزها هست و از یک نظر نیست. آن جا که انجمن به عنوان تشخیص دهنده مصلحت عمومی و مدافع احقاق حقوقی که مصلحت عمومی ایجاد می‌کند، عمل می‌کند، همه این‌ها جز وظایف انجمن است؛ یعنی انجمن باید بگوید که مصلحت نیست که در کشور ایران، نویسندگان وقت‌شان را صرف ایستادن توی صف شکر و پنیروکونی بکنند. ضرر و زیان این ائتلاف وقت، برای جامعه بسیار است. پس دولتمردان باید تدبیری ببینند که نویسنده از وقت خود بهتر استفاده کند. اما آن جایی که انجمن رسماً وارد کار می‌شود و مثلاً شرکت تعاونی مصرف تأسیس می‌کند، همان کاری را می‌کند که از دولت می‌خواهد جلوی آن را بگیرد. این یک جور نقض غرض است.» این نویسنده و منتقد و روزنامه‌نگار کودک و نوجوان، می‌افزاید: «انجمن فرهنگی است؛ چون از یک گروه اجتماعی که کار فرهنگی می‌کنند، تشکیل شده است. این گروه به طور مستقیم و غیرمستقیم، هدف‌های فرهنگی دارند، اما این به آن معنی نیست که انجمن یک نهاد صرفاً فرهنگی است. انجمن یک تشکل غیردولتی اجتماعی - سیاسی است که کارهای اجتماعی - سیاسی یک گروه خاص اجتماعی را انجام می‌دهد. در این جا منظور از سیاست، همان تدبیر امور اجتماعی است.»